

متن پرسش

سلام حاج آقا: به لطف خدا کتاب «سوخته» که در شرح احوالات آیت الله انصاری همدانی هست را از نظر گذراندم. حقیقتاً غوغا و حیرت انگیز بود. از این جهت که چگونه نور وجود این عارف سوخته و شیدا، با عبور از حجاب این کتاب و عبور از حجاب دیوارهای ضخیم باطنی بنده، باز هم این همه بنده حقیر را تحت تأثیر قرار داد. و تا حدودی که حجاب های ضخیم و ظلمانی درونم اجازه می داد متذکر شدم جهان اولیای الهی چه اندازه زیبا و شگفت انگیز است. حال اینکه خودشان در چه احوالاتی هستند خدا داند! استاد در قسمتی از این کتاب نقل شده: «آیت الله انصاری با حافظ مأنوس بود، وقتی حافظ خوانده می شد، چهره اش سرخ و زیبا می شد و گاهی آرام و بی صدا اشک می ریخت. وقتی تو حال خودش می رفت، حالت عجیبی داشت و دیگر نمی توانستیم به چشمانش نگاه کنیم.» استاد واقعاً چنین انسان هایی چه چیزهایی در مواجهه با غزل های جناب حافظ مشاهده می کنند که اینگونه بی تاب می شوند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جهان حافظ، جهان آخرالزمانی است و امثال آیت الله انصاری آن عارف سوخته جان، که در وسط انسانیتهی وسیع تا آخرالزمان که زمان حضور ابعاد متعالی انسان ها است؛ خود را حاضر کرده اند، متوجه اشارات حافظ می شوند که چگونه جناب حافظ یافته اند دینداری حقیقی تا کجاها وسعت دارد. تا آنجایی که به گفته ایشان: «چو بید بر سر ایمان خویش می لرزم». که البته فهم این نوع حضور، بسیار مهم و آخرالزمانی می باشد. موفق باشید